

## بمیرید بمیرید

مولانا « دیوان شمس » غزلیات «

غزل شماره ۶۳۶

بمیرید بمیرید در این عشق بمیرید

در این عشق چو مردید همه روح پذیرید

بمیرید بمیرید و زین مرگ مترسید

کز این خاک برآیید سماوات بگیریید

بمیرید بمیرید و زین نفس ببرید

که این نفس چو بندست و شما همچو اسیرید

یکی تیشه بگیریید پی حفره زندان

چو زندان بشکستید همه شاه و امیرید

بمیرید بمیرید به پیش شه زیبا

بر شاه چو مردید همه شاه و شهیرید

بمیرید بمیرید و زین ابر برآیید

چو زین ابر برآیید همه بدر منیرید

خموشید خموشید خموشی دم مرگست

هم از زندگیست اینک ز خاموش نفیرید